



بیانات در اجتماع زنان خوزستان - 20 / اسفند / 1375

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين. والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا ابي القاسم المصطفى محمد و على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين. الهداة المهديين المعصومين. سيما بقية الله في الارضين.

این اجتماع باشکوه و بزرگ، یکی از معدود اجتماعاتی است که در کشور اسلامی ما به معنای حقیقی کلمه برای تجلیل از بانوان فداکار میهن عزیزمان تشکیل شده است. تشکیل این مجلس و این دیدار با عظمت بانوان اهواز و خوزستان، اولاً به خاطر این است که مقام والای زن ایرانی، مخصوصاً در این منطقه‌ی خونبار مورد احترام و اهتمام ویژه‌ای قرار گرفته باشد. ثانیاً درباره‌ی مسأله‌ی زن ایرانی و زن مسلمان، در اجتماعی که از خود بانوان تشکیل شده است، مطالب لازم و مهمی مطرح شود، تا در تصحیح بینش عمومی ملت عظیم الشان ایران و همه‌ی مسلمانان جهان نسبت به زن مسلمان و دیدگاه اسلام درباره‌ی زن، مؤثر واقع شود. ثالثاً این اجتماع، نشان دهنده‌ی استقلال زن ایرانی و حضورش در میدان سیاست و میدان مسائل انقلابی است و این، نمایش قدرت ملت ایران، مخصوصاً بانوان در مقابل چشم جهانیان است.

آنچه که من عرایض را با آن شروع می‌کنم، این است که در دوران بازسازی کشور اسلامی - که در این دوران، هم ملت و هم مسؤولان، درصدد آن هستند که ایران بزرگ را هم از لحاظ مادی و هم از لحاظ نظم اجتماعی و هم از جهات معنوی، بازسازی حقیقی کنند - بیشترین تکیه بر نیروی انسانی است. یعنی يك کشور اگر می‌خواهد به معنای واقعی بازسازی کند، باید بیشترین تکیه و بیشترین نگاه و توجهش، به انسان و نیروی انسانی باشد. وقتی که صحبت از نیروی انسانی است، باید توجه کنیم که نصف جمعیت کشور و نیمی از نیروی انسانی، بانوان کشورند. اگر بینش غلطی در مورد زن وجود داشته باشد، بازسازی به معنای حقیقی و در سطح وسیع آن، شدنی نیست. هم خود بانوان کشور باید نسبت به موضوع زن از نظر اسلام، دارای آگاهی کافی و لازم باشند، تا بتوانند با اتکا به نظر والای دین مقدس اسلام، از حقوق خود به طور کامل دفع کنند، و هم همه‌ی افراد جامعه و مردان در کشور اسلامی باید بدانند که نظر اسلام در مورد زن، حضور زن در عرصه‌های زندگی، فعالیت زنان، تحصیل زنان، کار و تلاش اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و علمی زنان، نقش زن در خانواده و نقش زن در بیرون از خانواده چیست. درباره‌ی همه‌ی اینها، اسلام يك نظر روشن و صریح دارد که اگر بخواهیم با نظر فرهنگهای دیگر، از جمله فرهنگ غربی مقایسه کنیم، نظر اسلام، هم مترقی‌تر است و هم سابقه‌ی بینش اسلامی، از آنچه که امروز در مرد هست، بیشتر است و هم نظر اسلام موجب آبادی و صلاح و فلاح کشور و موجب اعتلای هر چه بیشتر بانوان در کشور می‌شود. خواهران عزیز! توجه بفرمایید؛ مخصوصاً من اصرار دارم که زنان جوان و کسانی که دارای همّت و شور و انگیزه‌ی بیشتری هستند، درست توجه بفرمایند، تا آن قدری که اقتضای این جلسه است، دراین باره مطالب کوتاهی را عرض کنم.

نظر اسلام در مورد زندگی انسان و شأن زنان، در سه بخش قابل تقسیم است. من بارها این مطالب را بیان کرده‌ام؛ اما اصرار دارم که هر چه بیشتر این مطلب مهم در مورد بانوان کشور مطرح شود. آن کسی که بیشتر باید در این مورد فعال باشد، خود زنان جامعه‌ی ما هستند. خواهران عزیز و دختران من! اعتقاد این است که اگر در بخشی از جامعه‌ی اسلامی - چه در ایران و چه در بعضی کشورهای دیگر - نسبت به زن مسلمان، کوتاهی‌هایی صورت می‌گیرد، قدری تقصیر مردان و قدری هم تقصیر خود بانوان است؛ چون آن کسی که باید شأن اسلامی زن را بشناسد و از آن دفاع کند، در درجه‌ی اول خود بانوان هستند. باید بدانند که خدا و قرآن و اسلام، درباره‌ی آنها چه قضاوتی دارد، از آنها چه می‌خواهد، مسؤولیت آنها را چه چیزی معین می‌کند و از آنچه که اسلام فرموده و خواسته، دفاع کنند و بخواهند.



اگر نخواهند، کسانی که به هیچ ارزشی پایبند نیستند، به خود اجازه خواهند داد که به زن ستم کنند؛ کمالین که امروز در دنیای غرب و در زیر سایه‌ی نظامهای مادی آن دیار، با وجود شعارهایی که نسبت به زن می‌دهند، بیشترین ظلم را مردان غربی به زنان می‌کنند؛ پدر به دخترش، برادر به خواهرش، شوهر به زنش. بیشترین ستم و تعرض و تعدی نسبت به زنان و همسران و خواهران و یا حتی دخترانشان - طبق آمارهایی که در دنیا هست - از سوی مردانی است که در نظامهای غربی زندگی می‌کنند. یعنی اگر در نظامی ارزشهای معنوی حاکم نباشد، خدا در دلها نباشد، مرد با تکیه بر قدرت جسمانی، راه خود را برای ظلم و تعدی به زن باز می‌بیند. چیزی که مانع است، دو چیز است: یکی ملاحظه‌ی خدا و قانون و ایمان و امثال اینها، و یکی هم خود زن که حقوق انسانی و الهی خود را درست بشناسد و از آن دفاع کند و خود را به معنای حقیقی کلمه بطلبد. در این مورد، اسلام يك حدّ میانه و بدون افراط و تفریط را ارائه می‌دهد. نه به زن اجازه‌ی ظلم کردن می‌دهد و نه طبیعت زن و مرد را نادیده می‌گیرد. خطّ مستقیم و صراط مستقیم، همان خطّ اسلامی است که من به صورت کوتاه آن را تشریح می‌کنم.

در اسلام، برای فعالیت زنان، سه عرصه معین شده است. اول، عرصه‌ی تکامل و رشد معنوی خود زن است. زن و مرد در این بخش، هیچ تفاوتی در میدان رشد و تکامل معنوی ندارند. یعنی مرد می‌تواند به عالیترین مقامات از لحاظ معنوی برسد؛ زن هم می‌تواند به بالاترین مقامات از لحاظ معنوی برسد. مرد می‌تواند به حدّ علی‌بن ابی طالب علیه‌السلام برسد و زن می‌تواند به حدّ فاطمه‌ی زهرا سلام‌الله‌علیها برسد. قرآن کریم، وقتی می‌خواهد نمونه‌ای برای انسانهای با ایمان ذکر کند، آن را از میان مردان ذکر نمی‌کند؛ از میان زنان ذکر می‌کند: «و ضرب الله مثلا للذین امنوا امرأة فرعون» (358). خدای متعال در این جا، دو زن را به عنوان دو نمونه از انسانهای برجسته و مؤمن - نه از زنان برجسته - ذکر می‌کند. یعنی در صحنه‌ی انسانیت و تکامل معنوی، خدای متعال وقتی می‌خواهد نمونه‌ی ممتازی بیان کند، سخن از پیامبران و مردان بزرگ و شخصیت‌های علمی و دینی نمی‌کند؛ بلکه سخن از دو زن به میان می‌آورد که یکی از آن دو زن، زن فرعون است. «أذ قالت رب ابن لی عندک بیتاً فی الجنة» (359)؛ زنی در مقام مبارزه با قدرت طاغوتی شوهرش، زنی با استقلال کامل که زیر بار شوهر متجاوز و قدرتمند و فرعون صفت و فرعون نام خود نمی‌رود. عظمت این زن، این جاست که شوهر نمی‌تواند راه گمراهی را بر او تحمیل کند؛ اگرچه آن شوهر، شخصی در حدّ فرعون با آن قدرت و با آن شخصیت باشد. میلیونها مرد، زیر دست فرعون و محکوم اراده‌ی اویند؛ اما همسر خود این مرد، در خانه محکوم اراده‌ی او نیست؛ آزاد است، به خدا ایمان می‌آورد، راه فرعون را ترک می‌گوید و راه خدا و راه حق را انتخاب می‌کند. لذا به عنوان يك موجود و يك انسان برجسته، نه فقط از میان زنان، بلکه از میان همه‌ی بنی نوع بشر انتخاب می‌شود. زن دیگر، مریم مادر عیسی و دختر عمران است. «مریم ابنة عمران» (360). مریم، زنی جوان است که در مقابل تهمت و نگاه سوء ظن آلوده‌ی همه‌ی مردم شهر و منطقه‌ی خود، مثل کوه می‌ایستد و کلمه‌الله و روح را که خدای متعال با قدرت کامله‌ی خود در دامن پاک او گذاشته است، بر روی دست می‌گیرد و مثل نورافکنی فرزند خود را بر دنیای تاریک آن زمان می‌افکند. این دو زن، دنیا را نور باران می‌کنند. این، نشان دهنده‌ی آن است که در میدان عظیم و محشر وسیعی که همه‌ی انسانها، از اولین و آخرین جمع شده‌اند؛ وقتی خدای متعال می‌خواهد دو انسان را از مجموع همه‌ی انسانها انتخاب کند و به عنوان مثل و نمونه، آنها را معرفی کند، دو زن را انتخاب می‌کند؛ نه دو مرد را و نه يك مرد و يك زن را. در این کار، رازهایی است.

پس، در عرصه‌ی اول - یعنی عرصه‌ی رشد معنوی و تعالی روحی و نفسانی انسان - میان زن و مرد فرقی نیست؛ زن مثل مرد، مرد هم مثل زن هر دو می‌توانند مدارج عالی معنویّت و قرب به خدا را طی کنند. لذا در قرآن می‌فرماید: «ان المسلمین والمسلمات و المؤمنین و المؤمنات و القانتین و القانتات و الصادقین و الصادقات و الصّابرين و الصّابرات



و الخاشعین و الخاشعات و المتصدقین و المتصدقات و الصائمین و الصائمات و الحافظین فروجهم و الحافظات و الذاکرین الله کثیراً و الذاکرات» (361). همه جا، مرد و زن در کنار هم قرار دارند. «اعدالله لهم مغفرة و اجرا عظيماً» (362). این، صحنه‌ی اول است که در آن، میان زن و مرد هیچ تفاوتی نیست.

عرصه‌ی دوم، عرصه‌ی فعالیتهای اجتماعی است؛ اعم از فعالیت اقتصادی، فعالیت سیاسی، فعالیت اجتماعی به معنای خاص، فعالیت علمی، درس خواندن، درس گفتن، تلاش کردن در راه خدا، مجاهدت کردن و همه‌ی میدانهای زندگی در صحن جامعه. در این جا هم میان مرد و زن در اجازه‌ی فعالیتهای متنوع در همه‌ی میدانها، هیچ تفاوتی از نظر اسلام نیست. اگر کسی بگوید مرد می‌تواند درس بخواند، زن نمی‌تواند؛ مرد می‌تواند درس بگوید، زن نمی‌تواند؛ مرد می‌تواند فعالیت اقتصادی انجام دهد، زن نمی‌تواند؛ مرد می‌تواند فعالیت سیاسی کند، زن نمی‌تواند، منطق اسلام را بیان نکرده و بر خلاف سخن اسلام حرف زده است. از نظر اسلام، در همه‌ی این فعالیتهای مربوط به جامعه‌ی بشری و فعالیتهای زندگی، زن و مرد دارای اجازه‌ی مشترک و همسان هستند. البته بعضی از کارها هست که باب زنان نیست؛ چون با ترکیب جسمانی آنها تطبیق نمی‌کند. بعضی از کارها هم هست که باب مردان نیست؛ چون با وضع اخلاقی و جسمی آنها تطبیق نمی‌کند. این موضوع ربطی به این ندارد که زن می‌تواند در میدان فعالیتهای اجتماعی باشد یا نه. تقسیم کار، بر حسب امکانات و شوق و زمینه‌های اقتضای این کار است. اگر زن بخواهد شوق داشته باشد، می‌تواند فعالیتهای گوناگون اجتماعی و آنچه که مربوط به جامعه است، انجام دهد.

البته در عرصه‌ی این فعالیتهای، اسلام حدودی را معین کرده است که این حدود، مربوط به زن و اجازه داشتن او برای فعالیت نیست؛ مربوط به اختلاط زن و مرد است که اسلام روی این مسأله حساسیت دارد. اسلام معتقد است که مرد و زن باید یک مرزبندی میان خودشان در همه جا - در خیابان، در اداره، در تجارتخانه - داشته باشند. میان زن و مرد مسلمان، حجاب و مرزی معین شده است. اختلاط و امتزاج زن و مرد، مثل اختلاط و امتزاج مردان با هم و زنان با هم نیست. این را باید رعایت کنند. هم مرد باید رعایت کند و هم زن باید رعایت کند. اگر این حساسیت اسلام نسبت به روابط و نوع اختلاط مرد و زن رعایت شود، همه‌ی کارهایی که مردان می‌توانند در عرصه‌ی اجتماعی انجام دهند، زنان هم - اگر قدرت جسمانی و شوق و فرصتش را داشته باشند - می‌توانند انجام دهند.

زنان می‌توانند تحصیلات عالیه کنند. بعضیها خیال می‌کنند که دختران نباید تحصیل کنند. این، اشتباه و خطاست. دختران باید در رشته‌هایی که برای آنها مفید است و به آن علاقه و شوق دارند، تحصیل کنند. جامعه، به تحصیلات دختران هم نیازمند است؛ همچنان که به تحصیلات پسران نیازمند است. البته محیط تحصیل باید سالم باشد؛ هم برای پسر و هم برای دختر. دانشگاه باید برای فرزندان مردم امنیت داشته باشد؛ چه دختر و چه پسر. کوچه و خیابان باید از لحاظ ناموسی و اخلاقی امنیت داشته باشد؛ چه برای دختران و چه برای پسران؛ فرق نمی‌کند. در صورتی که این امنیت حاصل شود، آن وقت در محیط امن، در کوچه و بازار امن، در دانشگاه امن، در دبیرستان امن که امنیت اخلاقی و فکری تأمین شده است - و مسؤولان و پدران و مادران باید آن را تأمین کنند - دختر مسلمان، پسر مسلمان، مرد مسلمان، زن مسلمان می‌توانند فعالیت خودشان را بکنند.

برای این که آن اختلاطی که قبلاً گفتم، پیش نیاید و حدود اخلاقی حفظ شود، اسلام برای زن حجاب را معین کرده است. خود این حجاب، یکی از وسایل امنیت است. با حجاب زن مسلمان، هم خود زن مسلمان امنیت پیدا می‌کند و هم مردان مسلمان امنیت پیدا می‌کنند. آن جایی که حجاب را از زنان دور می‌کنند، آن جایی که زن را به عریانی و برهنگی نزدیک می‌کنند، در درجه‌ی اول، امنیت از خود زن و در درجه‌ی بعد، از مردان و جوانان گرفته خواهد شد. برای این که محیط سالم و دارای امنیت باشد؛ زن بتواند کار خود را در جامعه انجام دهد، مرد هم بتواند مسؤولیتهای خود را انجام دهد، اسلام حجاب را معین کرده است که این حجاب، یکی از آن احکام برجسته‌ی اسلام است و یکی از فوایدش همین است که گفتم. فواید فراوان دیگری هم دارد که در بخش بعد، اگر به یاد آمد و فرصت شد، اشاره‌ای



خواهم کرد.

پس، در عرصه‌ی دوم - که عرصه‌ی فعالیتهای اجتماعی و سیاسی و علمی و فعالیتهای گوناگون است - زن مسلمان مثل مرد مسلمان حق دارد آنچه را که اقتضای زمان است، آن خلایی را که احساس می‌کند، آن وظیفه‌ای را که بر دوش خود حس می‌کند، انجام دهد. چنانچه دختری مثلاً مایل است پزشک شود، یا فعالیت اقتصادی کند، یا در رشته‌های علمی کار کند، یا در دانشگاه تدریس کند، یا در کارهای سیاسی وارد شود، یا روزنامه‌نگار شود، برای او میدانها باز است. به شرط رعایت عفت و عفاف و عدم اختلاط و امتزاج زن و مرد، در جامعه‌ی اسلامی میدان برای زن و مرد باز است. شاهد بر این معنا، همه‌ی آثار اسلامی است که در این زمینه‌ها وجود دارد و همه‌ی تکالیف اسلامی است که زن و مرد را به طور یکسان، از مسؤولیت اجتماعی برخوردار می‌کند. این که می‌فرماید: «من اصبح لایهتّم بامور المسلمین فلیس بمسلم» (363)، مخصوص مردان نیست؛ زنان هم باید به امور مسلمانان و جامعه‌ی اسلامی و امور جهان اسلام و همه‌ی مسائلی که در دنیا می‌گذرد، احساس مسؤولیت کنند و اهتمام نمایند؛ چون وظیفه‌ی اسلامی است.

بر اساس آیه‌ی شریفه‌ی سوره‌ی احزاب فرق نمی‌کند؛ چه اسلام، چه ایمان، چه قنوت، چه خشوع، چه تصدّق، چه صوم، چه صبر و استقامت، چه حفظ ناموس، چه ذکر خدا، زن و مرد در این بخشها یکسانند. فعالیت زنان در عرصه‌ی اجتماع، فعالیت‌ی کاملاً مباح و روا و مطلوب و مجاز است که با حفظ حدود اسلامی، اینها را انجام دهند و نیمی از نیروی فعال جامعه را به جامعه تقدیم کنند. آن وقتی که در جامعه، هم مرد تحصیل می‌کند و هم زن، جمعیت تحصیل کرده، دو برابر آن زمانی است که فقط مردان تحصیل می‌کنند. آن وقتی که زنان در جامعه تدریس می‌کنند، معلّم در جامعه دو برابر تعداد آن وقتی است که فقط مردان تدریس می‌کنند. در فعالیت سازندگی، در فعالیت اقتصادی، در طراحی و فکر کردن و برای امور کشور و یک شهر و یک روستا و یک مجموعه و امور شخصی خانواده مطالعه کردن، میان زن و مرد تفاوتی نیست. همه مسؤولند و همه باید انجام دهند.

دختران مسلمان و زنان مؤمن! این را هم بگویم: اروپایی که امروز ادّعا می‌کند زن در آنجا آزاد است، تا نیم قرن پیش به زن اجازه نمی‌داد که در مال شخصی خودش تصرّف کند! یعنی مثلاً یک زن اروپایی یا امریکایی، تا پنجاه، شصت سال قبل از این، اگر میلیونها ثروت داشت، خودش حق نداشت که از این ثروت، به میل و اراده‌ی خودش استفاده کند؛ باید در اختیار شوهر یا پدر و یا برادرش می‌گذاشت و آنها هم به میل خودشان از ثروت آن خانم - یا برای او و یا برای خودشان - استفاده می‌کردند! در اسلام، این طور نیست. در اسلام، زن مالک ثروت خود است. شوهرش راضی باشد، یا راضی نباشد؛ پدرش راضی باشد، یا راضی نباشد - فرقی نمی‌کند - او می‌تواند ثروت و مال و اندوخته‌ی خود را مصرف کند و ربطی به کس دیگری ندارد. نظر اسلام، این است. در حمایت از استقلال اقتصادی زنان، دنیا سیزده قرن است که از اسلام عقب است. اسلام این را سیزده قرن قبل گفته است؛ ولی در اروپا تازه چهل، پنجاه سال و در بعضی از کشورها کمتر از این مدّت است که تازه شروع کرده‌اند به زن اجازه دهند که در مال و ملک خود، دخل و تصرّف کند! اسلام، از این جهت هم جلو است.

بخش سوم - که آن هم بسیار مهم است - بخش خانواده است. به نقش زن در اعتلای معنوی اشاره کردیم و حکم اسلامی هر نوع فعالیت اجتماعی را گفتیم؛ اما در این بخش، نقش زن در خانواده را مطرح می‌کنیم؛ یعنی زن بعنوان یک همسر یا یک مادر. اینجا واقعاً احکام اسلام به قدری درخشان و افتخارآمیز است که انسان وقتی احکام اسلام را مشاهده می‌کند، احساس اعتزاز می‌نماید.

زن به عنوان یک زوجه و یک همسر، در مراحل مختلف مورد توجّه و عنایت ویژه‌ی اسلامی قرار دارد. در درجه‌ی اوّل، مسأله‌ی انتخاب همسر است. به نظر اسلام، زن در انتخاب همسر آزاد است و هیچ کس نمی‌تواند در مورد انتخاب همسر، بر هیچ زنی چیزی را تحمیل کند. یعنی حتی برادران زن، پدر زن - خویشاوندان دورتر که جای خود دارند -



اگر بخواهند بر او تحمیل کنند که تو حتماً باید با شخص مورد نظر ازدواج کنی، نمی‌توانند و چنین حقی را ندارند. این، نظر اسلام است.

البته در جامعه‌ی اسلامی، در طول زمان، عادات جاهلی و غلط بوده است؛ الان هم در بعضی از کشورها هست و در کشور خود ما هم در بعضی از جاها - مثل مناطقی از شهرهای مرکزی کشور، مناطقی در خوزستان و جاهای دیگر - عادات غلطی وجود دارد. فرض بفرمایید - آن طوری که اطلاع دارم - در بعضی از عشایر، پسر عموی هر دختری حق دارد که در مورد ازدواج آن دختر، اظهار نظر کند! این، غلط است. اسلام، چنین اجازه‌ای را به هیچ کس نمی‌دهد. آنچه را که مسلمانان جاهل انجام می‌دهند، کسی نباید به حساب اسلام بگذارد. اینها عادات جاهلی است. مسلمانان جاهل، با تکیه بر آداب و عادات جاهلیت، کارهایی انجام می‌دهند که ربطی به اسلام و احکام نورانی آن ندارد. اگر کسی دختری را مجبور کند که باید با پسر عمویت ازدواج کنی، کار خلاف کرده است. اگر کسی به عنوان این که پسر عموی دختری است، به خودش حق بدهد که او را از ازدواج کردن نهی کند و بگوید چون با من ازدواج نکردی، پس من اجازه‌ی ازدواج به تو نمی‌دهم، این پسر عمو و هر کس که به او کمک کند، فعل حرام خلاف شرع کرده است.

اینها، خلاف شرع بین است و فقهای اسلام، در این مورد اختلاف نظر ندارند. اگر فرض کنیم کسی از قبیله‌ای، برای این که اختلافات خود را با قبیله‌ی دیگر حل کند - فرض کنید دعوا و اختلاف و خونریزی بوده است - حلّ این اختلاف و فصل این نزاع را به این قرار دهد که دختری را از این قبیله به آن قبیله بدهند؛ بدون این که از خود دختر اجازه بگیرند، این کار خلاف شرع است. البته یک وقت از خود دختر اجازه می‌گیرند؛ اشکالی ندارد. دختری است، خودش مایل است و حرفی ندارد که با جوانی از قبیله‌ی دیگر ازدواج کند که ضمناً با این ازدواج، اختلاف و نزاع هم از بین برود. این، ایراد و مانعی ندارد؛ اهلاً و سهلاً. اما اگر بخواهند دختری را به این کار مجبور کنند، این کار، خلاف شرع و خلاف احکام اسلامی است.

ملاحظه می‌کنید که احکام اسلام در انتخاب همسر، از اول تشکیل خانواده، در جهت کمک به زنان است. چون بعضی از مردان، نسبت به زنان زورگویی و ظلم و تعدی می‌کردند، اسلام در مقابل این ظلم و تعدی ایستاده است. وقتی که عائله تشکیل می‌شود، در داخل عائله، از نظر اسلام، زن و شوهر دو شریک زندگی هستند و باید نسبت به یکدیگر با محبت رفتار کنند. مرد حق ندارد به زن زور بگوید؛ زن هم حق ندارد به مرد زور بگوید. احکام و مقررات اسلامی، در مورد ارتباطات زن و مرد در داخل عائله و خانواده، بسیار دقیق و ظریف است. خدای متعال، با توجه به طبیعت زن و مرد، با توجه به مصالح جامعه‌ی اسلامی، با توجه به مصالح زن و مرد، این احکام را معین کرده است. مرد فقط در چند مورد - که من یک مورد را تصریح می‌کنم و یکی، دو مورد دیگر را تصریح نمی‌کنم - حق دارد به زن دستور بدهد و زن موظف است که دستور را عمل کند. آن موردی که تصریح می‌کنم، این است که مرد می‌تواند از خروج زن از خانه بدون اجازه‌ی خود جلوگیری کند؛ به شرط این که در هنگام عقد ازدواج، شرطی در این مورد انجام نگرفته باشد. اگر شرطی در بین نباشد، مرد می‌تواند مانع شود. این، یکی از آن رازهای دقیق احکام الهی است و این، حق فقط به شوهر داده شده و حتی به پدر هم داده نشده است. پدر نمی‌تواند دختر خود را موظف کند که اگر خواست بیرون برود، از او اجازه بگیرد. پدر چنین حقی ندارد، یا برادر چنین حقی نسبت به خواهر ندارد؛ اما شوهر این حق را نسبت به زن دارد. البته در هنگام صیغه‌ی عقد، زنان می‌توانند شروطی را به عنوان شرط عقد ازدواج ذکر کنند. این شروط را هم زن و هم مرد موظفند که عمل کنند. بنابراین، اگر شرط کردند، آن بحث دیگری است؛ اما در درجه‌ی اول، این طور است. یکی، دو مورد دیگر هم هست که زن موظف است در آن موارد، از مرد اطاعت کند.

اینها همه به خاطر طبیعت زن و مرد است. طبیعت زن و مرد، هر کدام ویژگی‌ای دارد. در داخل خانواده، کار و روحیات مرد را نباید از زنان توقع کرد؛ روحیات زن را هم در خانواده نباید کسی از مرد توقع کند. هر کدام یک خصوصیات طبیعی و روحی دارند که مصلحت بشر، مصلحت جامعه، مصلحت نظام اجتماعی زن و مرد این است که روحیات و



خصوصیات مرد وزن در تعامل اینها در داخل خانواده دقیقاً رعایت شود؛ که اگر رعایت شد، هم این خوشبخت است و هم آن. اما کسی به کسی حق ظلم کردن، زور گفتن و استخدام کردن ندارد. بعضی از مردان خیال می‌کنند که زن وظیفه دارد همه‌ی کارهای مربوط به آنها را انجام دهد. البته در محیط خانواده، زن و مردی که به هم علاقه دارند، با کمال میل و شوق، کارها و خدمات یکدیگر را انجام می‌دهند؛ اما انجام دادن از روی میل، غیر از این است که کسی احساس کند، یا این طور عمل کند که گویا وظیفه‌ی زن است که باید مثل یک مستخدم، خدمت مرد را به آن شکل انجام دهد. چنین چیزی در اسلام وجود ندارد.

از جمله وظایفی که برعهده‌ی زنان در داخل خانه و خانواده است، مسأله‌ی تربیت فرزند است. زنانی که به خاطر فعالیت‌های خارج از خانواده، از آوردن فرزند استنکاف می‌کنند، برخلاف طبیعت بشری و زنانه‌ی خود اقدام می‌کنند. خداوند به این راضی نیست. کسانی که فرزند و تربیت فرزند و شیردادن به بچه و در آغوش مهر و عطوفت بزرگ کردن فرزند را برای کارهایی که خیلی متوقف به وجود آنها هم نیست، رها می‌کنند، دچار اشتباه شده‌اند. بهترین روش تربیت فرزند انسان، این است که در آغوش مادر و با استفاده از مهر و محبت او پرورش پیدا کند. زنانی که فرزند خود را از چنین موهبت الهی محروم می‌کنند، اشتباه می‌کنند؛ هم به ضرر فرزندشان، هم به ضرر خودشان و هم به ضرر جامعه اقدام کرده‌اند. اسلام، این را اجازه نمی‌دهد. یکی از وظایف مهم زن، عبارت از این است که فرزند را با عواطف، با تربیت صحیح، با دل دادن و رعایت و دقت، آن چنان بار بیاورد که این موجود انسانی - چه دختر و چه پسر - وقتی که بزرگ شد، از لحاظ روحی، یک انسان سالم، بدون عقده، بدون گرفتاری، بدون احساس ذلت و بدون بدبختیها و فلاکتها و بلایایی که امروز نسل‌های جوان و نوجوان غربی در اروپا و امریکا به آن گرفتارند، بار آمده باشد. عزیزان من! شما ببینید زنان غربی، به خاطر این که به خانواده اهمیت ندادند، به تربیت فرزند اهمیت ندادند، امروز کار جوامع غربی به جایی رسیده است که میلیون‌ها نوجوان تبهکار و فاسد در کشورهای اروپایی و امریکایی، در زیر سایه‌ی آن تمدن مادی، آن کاخ‌های سربرافراشته، آن پایگاه‌های اتمی، آن آسمان‌خراش‌های صدوچند طبقه، آن پیشرفته‌های علمی و تکنولوژیک، در سن ده سالگی، دوازده سالگی مشغول تبهکاریند؛ دزدند، قاتلند، قاچاقچینند، معتادند، سیگار می‌کشند، حشیش می‌کشند! این، به خاطر چیست؟ به خاطر آن است که زن غربی، قدر خانواده را ندانست.

در گذشته، وضع زنان غربی این طور نبود. از سی، چهل، پنجاه سال قبل، وضع زنان غربی - بخصوص در امریکا و بعضی از کشورهای اروپایی - روزبه‌روز بدتر شد. آن روزی که زنان غربی این راه غلط را شروع نمودند، فکر نمی‌کردند که سی سال دیگر، چهل سال دیگر، پنجاه سال دیگر، کشور و جامعه‌ی آنها، دچار چنین وضعی شود که نوجوان دوازده ساله، هفت‌تیر ببندد، یا چاقوی ضامن‌دار در جیب خود بگذارد و به هنگام شب یا روز، در گوشه و کنار خیابان‌های نیویورک یا لندن یا بقیه‌ی شهرهای غربی، اگر توانست کسی را بکشد، بدون هیچ ملاحظه‌ای بکشد! وضعشان به این جا رسیده است. وقتی خانواده از هم پاشید، وضعیت این گونه می‌شود.

در واقع، خانواده را هم زن به وجود می‌آورد و اداره می‌کند؛ این را بدانید. آن عنصر اصلی تشکیل خانواده، زن است، نه مرد. بدون مرد، ممکن است خانواده‌ای باشد. یعنی اگر فرض کنیم در خانواده‌ای، مرد خانواده حضور نداشته باشد، یا از دنیا رفته باشد، زن خانواده اگر عاقل و با تدبیر و خانه‌دار باشد، خانواده را حفظ می‌کند؛ اما اگر زن از خانواده‌ای گرفته شد، مرد نمی‌تواند خانواده را حفظ کند. بنابراین، خانواده را زن حفظ می‌کند.

علت این که اسلام این قدر به نقش زن در داخل خانواده اهمیت می‌دهد، همین است که زن اگر به خانواده پایبند شد، علاقه نشان داد، به تربیت فرزند اهمیت داد، به بچه‌های خود رسید، آنها را شیر داد، آنها را در آغوش خود بزرگ کرد، برای آنها آذوقه‌های فرهنگی - قصص، احکام، حکایت‌های قرآنی، ماجراهای آموزنده - فراهم کرد و در هر فرصتی به فرزندان خود مثل غذای جسمانی چشاند، نسل‌ها در آن جامعه، بالنده و رشید خواهند شد. این، هنر زن



است و منافاتی هم با درس خواندن و درس گفتن و کار کردن و ورود در سیاست و امثال اینها ندارد. در صدر اسلام، زن در میدان جنگ، علاوه بر بستن زخم مجروحان - که این کار بیشتر بر عهده‌ی زنان بود - حتی گاهی با نقاب، در میدان جنگ و رزمهای دشوار آن روز، شمشیر هم می‌زد! در عین حال در داخل خانه، فرزندان خود را هم در آغوش می‌گرفت، تربیت اسلامی هم می‌کرد، حجاب خود را هم حفظ می‌کرد؛ چون اینها منافاتی با هم ندارد. اگر کسی درست توجه کند، خواهد دید که منافاتی ندارد. بعضی افراط می‌کنند، بعضی تفریط می‌کنند. بعضی می‌گویند چون فعالیت اجتماعی اجازه نمی‌دهد به خانه و شوهر و فرزند برسیم، پس فعالیت اجتماعی نباید بکنیم. بعضی می‌گویند چون خانه و شوهر و فرزند، اجازه نمی‌دهد فعالیت اجتماعی بکنیم، پس شوهر و فرزند را باید رها کنیم. هر دو غلط است. نه این را به خاطر آن، نه آن را به خاطر این، نباید از دست داد.

زن مسلمان، در عائله وظایفی دارد و آن، همان رکنیت اساسی خانواده و تربیت فرزندان و هدایت و تقویت روحی شوهر است. در دوران مبارزات ضد رژیم طاغوت در ایران، خلیها در میدان مبارزه بودند، ولی زنان آنها نگذاشتند که آنها مبارزه را ادامه دهند؛ به خاطر این که طاقت نداشتند سخته‌های مبارزه را تحمل کنند؛ گذشت هم نداشتند. خلیها هم به عکس، شوهران خود را به ایستادگی در راه مبارزه تشویق می‌کردند، آنها را کمک می‌کردند و برای آنها تقویت و پشتیبانی روحی می‌آفریدند. در سال 56 و 57، آن روزی که خیابانها و کوچه‌ها از اجتماعات مردم پر شده بود، زنان در بسیج و فرستادن شوهران و فرزندان خودشان به میدانهای مبارزه و تظاهرات، نقش حیاتی داشتند. مادران در دوران انقلاب و در جنگ تحمیلی، فرزندان خود را به سربازان جانباز و شجاع در راه اسلام و مسلمین تبدیل کردند، و همسران در دوران انقلاب و دوران جنگ تحمیلی، شوهران خود را به انسانهای مقاوم و مستحکم مبدل ساختند. این است نقش و تأثیر زن بر روی فرزند و شوهر. این، نقشی است که زن می‌تواند در داخل خانواده ایفا کند و جزو بزرگترین نقشهاست و به نظر من از همه‌ی کارهای زن مهمتر، همین کار است. از همه‌ی کارهای زن مهمتر، تربیت فرزندان و تقویت روحی شوهران برای ورود در میدانهای بزرگ است، و خدا را شکر می‌کنیم که زن ایرانی و مسلمان، در این میدان هم بیشترین هنر را نشان داده است.

البته زنان شجاع و آگاه و مقاوم و صبور ایران، در دوران انقلاب، در دوران جنگ - چه در پشت جبهه، چه در جبهه، چه در داخل خانه‌ها - و کلاً در همه‌ی میدانها، حضوری فعال داشتند. امروز هم در میدان سیاست، در میدان فرهنگ، در میدان انقلاب، در فعالیتهای مقابل چشم دشمنان جهانی، زنان ما حضور فعال دارند. امروز اجتماع عظیم شما در این جا، یک مفهوم فرهنگی، یک مفهوم سیاسی و یک مفهوم اجتماعی دارد. آن کسانی که قضایای کشور عزیز ما و نظام جمهوری اسلامی را تحلیل می‌کنند، وقتی این اجتماع عظیم، این اراده‌های استوار، این آگاهی و این شور و شوق را از شما مشاهده می‌کنند، نسبت به ایران بزرگ و ملت عظیم الشان ایران و نظام مقدس جمهوری اسلامی، احساس تعظیم و ستایش خواهند کرد.

من به سخنان خود پایان می‌دهم و توفیقات همه‌ی شما خواهران عزیز، دختران عزیز و بانوان گرامی خوزستان و شهر اهواز و دیگر شهرها و روستاهای این استان را آرزو مندم. امیدوارم همه‌ی شما مشمول لطف و رحمت پروردگار باشید.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته